

۱۳۲

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

کتاب و سنت

در

معرفی اهل بیت عصمت علیهم السلام

۴ اسفند ۱۳۸۹

۱۹ ربیع الأول ۱۴۳۲

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله
على أعدائهم أجمعين » .

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيراً ﴾^(۱) .

خداوند فقط می خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند
و کاملاً شما را پاک سازد .

چکیده سخن

از مباحثی که تاکنون در تفسیر آیه‌ی شریف تطهیر بیان گردید ، دانستیم که
« اذهاب رجس » به معنای « عصمت » است و این مقام ، به انبیا و حجج الهی علیهم السلام
اختصاص دارد . همچنین روشن شد که « عصمت » از مقوله‌ی علم حضوری بوده و
به معنای رفع تمام موانع و حجب ، برای مشاهده‌ی بواطن و ملکوت آیات تکوین و
تشریح الهی است . بنابراین ادعای عصمت ، ادعای بزرگی است و هر شخصی
نمی تواند بگوید که همه‌ی حقایق آفرینش و ریشه و باطن همه‌ی مخلوقات ، مانند

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳ .

مطلب دیگر اینکه، در مباحث گذشته علاوه بر اینکه از مفردات آیه‌ی شریف تطهیر همچون «انما»، «ارادة الله»، «إذهاب رجس»، «طهارت» و ... سخن گفتیم، در عین حال روایات فراوانی را از معتبرترین منابع اهل سنت - از جمله کتبی که به صحاح سته معروف اند - همچون صحیح بخاری، صحیح مسلم، صحیح و سنن نسائی، صحیح و سنن ترمذی، مسند احمد حنبل و نیز مستدرک حاکم نیشابوری، نقل کردیم و گفتیم که اساساً همه این روایات، دلالت تام بر این مطلب دارند که منظور از «اهل بیت» در آیه‌ی مذکور، خمسه‌ی طیبه و پنج تن علیهم السلام؛ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت امیرالمؤمنین علی، حضرت فاطمه، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام هستند و هیچ کس دیگری در دایره‌ی اهل بیت علیهم السلام (۱) داخل نمی‌شود.

اهل سنت، تعبیری نادرست

در اینجا لازم است جهت اطلاع نکته‌ی مهمی بیان شود، و آن این که ما معمولاً موقع سخن گفتن از غیر شیعه، از واژه‌هایی همچون عامه، اهل سنت، مخالفین، پیروان مکتب خلافت و نیز پیروان مکتب اموی استفاده می‌کنیم. این درحالی است که استعمال واژه‌ی «اهل سنت»، بر خلاف سایر واژه‌های مذکور در

۱. بحث الحاق بقیه‌ی ائمه علیهم السلام از فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام (از حضرت امام سجاد علیه السلام تا وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) به این پنج تن علیهم السلام را در آینده بیان خواهیم کرد.

مورد این افراد، قطعاً غیر منطقی و غلط است؛ زیرا مسیری که اینان در پیش گرفته‌اند، منحرف از سنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و به سهولت می‌توان - با تکیه بر منابع آن مذهب - اثبات نمود که سنت شریف نبوی مورد عمل آنان نیست. آنان خواسته یا ناخواسته، ادامه دهنده‌ی مکتب و آیینی هستند که جعلی می‌باشد و به دست بنی امیه تأسیس شده است و حتی صحابه‌ی معاصر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم در پیدایش این مکتب انحرافی، هیچ نقشی نداشتند!

کلامی از شیخ مفید رحمته الله علیه

با دقت در مطالبی که تاکنون مطرح گردید، دانستیم که «اهل بیت» منحصر در حضرت امیرالمؤمنین علی، حضرت فاطمه، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام می‌باشد. برای اثبات این ادعا، به روایات زیادی - از منابع خاصه و عامه - استناد کردیم؛ اما نکته‌ی جالبی که در اینجا مطرح است، بطلان ادعای برخی از علمای عامه - مبنی بر قرار گرفتن زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در زمره‌ی اهل بیت علیهم السلام - توسط خود عامه می‌باشد. یکی از افرادی که در نقل حدیث، مورد وثوق عامه و پیروان مکتب خلافت می‌باشد، شیخ مفید رحمته الله علیه است. ایشان در یکی از کتاب‌های خود به نام «الفصول المختارة» - که یکی از منابع ارزشمند شیعه است - این روایت را از عامه و مخالفین، نقل می‌کند:

«إِنَّ عَمْرًا سَأَلَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۱)؛ فقال: سلوا عنها عائشة؛ فقالت

عائشة: إنها نزلت في بيت أختي أم سلمة، فاسألوها عنها، فإنها أعلم بها مني. فلم يختلف أصحاب الحديث من الناصبة ولا أصحاب الحديث من الشيعة في خصوصها فيمن عدّناه، وحمل القرآن في التأويل على ما جاء به الأثر، أولى من حمله على الظن والترجيم، مع أنّ الله سبحانه، قد دلّ على صحّة ذلك بمتضمّن الآية، وإذهاب الرجس لا يكون إلاّ بالعصمة من الذنوب، لأنّ الذنوب من أرجس الرجس»^(۱).

شخصی از عمر بن خطاب، درباره‌ی مخاطبان آیه شریف تطهیر؛ «خداوند می‌خواهد پلیدی گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» سؤال کرد، عمر گفت: این مطلب را از عایشه بپرسید، عایشه نیز گفت: چون این آیه، در خانه‌ی خواهرم، ام سلمه، نازل شده است، پس او بهتر از من می‌داند، [بروید] و از او بپرسید! «هیچ یک از راویان حدیث از ناصبیان و شیعه، در مورد آیه‌ی تطهیر، به صورتی که بیان کردم، اختلافی ندارند و به جای حمل کردن قرآن بر ظنّ و گمان، باید آن را در تأویل بر آنچه که در حدیث هم آمده است، حمل نمود؛ با آنکه خدای تعالی بر صحت آنچه ما گفتیم به مضمون این آیه دلالت کرده است؛ و زایل کردن رجس نمی‌شود مگر به عصمت از گناهان، چون گناه پلیدترین پلیدی‌ها است».

همان طور که قبلاً نیز بیان شد^(۱)، با وجود این که آیه‌ی شریف تطهیر در خانهٔ ام‌المؤمنین ام سلمه، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد؛ اما ایشان صلی الله علیه و آله و سلم ماجرای نزول این آیه را شبیه سازی نمودند و چندین بار، از جمله در حضور عایشه این عمل را تکرار کردند. ایشان صلی الله علیه و آله و سلم هر روز موقع نماز، به مدت ۴ یا ۶ ماه، بر در خانه‌ی حضرت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه علیها السلام، حاضر می‌شدند و چنین می‌فرمودند:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾»^(۲)»^(۳).

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد؛ «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

این در حالی است که عایشه با وجود اطلاع از این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شناخت اهل بیت ایشان علیهم السلام، حاضر نشد دربارهٔ این آیه و مخاطبان آن، چیزی بگوید و به خاطر عناد و بُخلی که نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در دل داشت، از معرفی ایشان علیهم السلام و پاسخ به استفسار سائل، سرباز زد و این امر را به عهده‌ی جناب ام سلمه گذاشت؛ چون واضح است که اعتراف به حقیقت اهل بیت علیهم السلام از طرف عایشه، دلالت بر نقص و عدم قابلیت او می‌کرد و در واقع، همین عدم صلاحیت، او را از شمول در دایره‌ی اهل بیت علیهم السلام، خارج می‌کرد.

۱. ر.ک: جزوه شماره ۱۳۱.

۲. سورهٔ احزاب، آیه ۳۳.

۳. بحار الأنوار، جلد ۳۵، صفحه ۲۱۶؛ تفسیر المیزان، جلد ۱۶، صفحه ۳۱۸؛ از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۵، صفحه ۱۹۹؛ شواهد التنزیل، جلد ۲، صفحه ۴۴. (برای اطلاع بیشتر از منابع، ر.ک: جزوه شماره ۱۳۱)

بنابراین عصمت نسبت به زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود ندارد و این خود، سند و دلیل دیگری بر بطلان نظریه‌ی کسانی است که زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در دایره‌ی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام داخل می‌دانند.

سند دیگری که دلیل بر خارج بودن زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از زمره‌ی اهل بیت ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَام است، جریان ام سلمه - همسر گرامی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - می‌باشد. وقتی ام سلمه از آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سؤال کردند که آیا من هم داخل در اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام هستم یا نه؟ رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب او فرمودند:

«أَنْتِ عَلَى مَكَانِكَ وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ»^(۱).

تو در جای خودت باش، تو سرانجام خوبی خواهی داشت. براساس این روایت، داخل نبودن جناب ام سلمه در زمره‌ی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام قطعی است. اگر قرار باشد همسران رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ داخل در دایره‌ی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام باشند، چرا ام سلمه به تصریح پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این دایره نیست؟ پس روشن است که این نظریه، پایه و اساسی ندارد.

طهارت، فراتر از زوال نجاست است

طهارت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در دو مرحله‌ی «إِذْهَابِ رَجَسٍ» و «عَصْمَتٍ» صورت می‌گیرد. برای روشن شدن این مطلب به روایتی که در ادامه ذکر می‌گردد، توجه نمایید.

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۵، صفحه ۲۲۶؛ از منابع اهل سنت: سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۳۰؛ شواهد التنزیل، جلد ۲، پاورقی صفحه ۱۲۰.

«وقوله تعالی: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^(۱)، فيه لطيفةٌ وهي: أن الرِّجْسَ قد يزول عيناً ولا يطهر المحلّ، فقوله تعالی: ﴿لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ﴾، أي: يزيل عنكم الذُّنُوبَ وَ ﴿يُطَهِّرَكُمْ﴾، أي: يلبسكم خلع الكرامة. ثم إن الله تعالی ترك الخطاب المؤنثات وخطاب بخطاب المذكّرين بقوله: ﴿لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ﴾، ليدخل فيه نساء أهل بيته ورجالهم؛ واختلف الأقوال في أهل البيت والأولى أن يقال: هم أولاده وأزواجه والحسن والحسين عليهما السلام منهم وعلي عليه السلام منهم؛ لأنّه كان من أهل بيته بسبب معاشرته بينت النبي عليه السلام وملازمته للنبي صلّى الله عليه وآله وسلّم»^(۲).

در این فرموده‌ی خداوند متعال در آیه‌ی تطهیر (خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد) نکته‌ی دقیق و جالبی است و آن اینک: گاهی عین نجاست از بین می‌رود ولی محلّ نجاست، پاک نمی‌شود، پس این قسمت از آیه: «می‌خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند» به این معنا است که خداوند، عین نجاست و گناه را از اهل بیت عليهم السلام زایل کرد، و این قسمت از آیه: «کاملاً شما را پاک سازد» به این معنا است که خداوند در اهل بیت عليهم السلام طهارت

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. تفسیر رازی، جلد ۲۵، صفحه ۲۰۹.

ایجاد کرد و لباس کرامت و عصمت به ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ پوشانید. سپس خداوند متعال به جای ضمیر جمع مؤنث مخاطب، از ضمیر جمع مذکر مخاطب استفاده می‌کند و می‌فرماید: «تا گناه و پلیدی را از شما اهل بیت دور کند»، تا این‌که زنان خانواده‌ی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مردان آن‌ها را نیز در اهل بیت داخل کند؛ و اقوال و نظرات در مورد مصادیق اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مختلف است، ولی آنچه مسلم است، این است که فرزندان و زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ و نیز علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به خاطر زندگی با دختر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و همراهی با خود آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از اهل بیت ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند.

اصل بر این است که برای تطهیر شیء یا محل نجس، ابتدا باید عین نجاست را برطرف نموده و سپس محل آن را پاک کرد؛ به عبارت دیگر، زوال نجاست، متفاوت با طهارت است^(۱).

بنابراین تطهیر اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، دارای دو رتبه و مرحله است؛ مرحله‌ی اول اذهاب رجس و از بین بردن نجاست و گناه است و مرحله‌ی دوم، پوشانیدن لباس کرامت و عصمت یا همان اتصال به آب کر می‌باشد، که حصول پاکیزگی کامل را در پی دارد.

۱. در اینجا اختلافی که بین فقهای شیعه و فقهای مکتب خلافت، وجود دارد این است که فقهای شیعه، شرط تطهیر محل نجس را، اتصال آن به آب کر می‌دانند، ولی فقهای عامه، بر این عقیده‌اند که با آب قلیل هم، محل نجس را می‌توان تطهیر کرد! (برای اطلاع بیشتر در این رابطه ر. ک به: العروة الوثقی، جلد ۱، صفحه ۸۴؛ از منابع اهل سنت: کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة، جلد ۱، صفحه ۲۱)

۱۳۲ مطلبی که در بخش اول حدیث، از فخر رازی گزارش کردیم، مطلب بسیار خوب و با ارزشی بود که مورد قبول شیعه نیز می‌باشد؛ اما اشکالی که به فخر رازی وارد است، این است که او در بخش دوم تفسیرش مطلبی را بیان می‌کند که خلاف واقعیت بوده و از منظر عقل و روایت، قابل قبول نیست. او می‌گوید: «علت این که خداوند بعد از مخاطب قرار دادن زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، از ضمیر جمع مذکر برای مخاطب قرار دادن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام استفاده کرده است، ﴿لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ﴾، این است که خداوند با این عمل، خواسته تا علاوه بر داخل کردن مردان در زمره‌ی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، زنان خانواده‌ی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز در دایره‌ی اهل بیت قرار دهد.» این ادعای فخر رازی، با انبوهی از سؤالات و اشکالات مواجه است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. بنابر نظر فخر رازی، اِذْهَابِ رِجْسٍ به معنای ازاله‌ی ذنوب است. حال این سؤال مطرح می‌شود که این ازاله‌ی ذنوب، چگونه می‌تواند شامل غیر معصوم نیز باشد؟ به بیان دیگر، آیا محلی که توسط خداوند تطهیر می‌شود، امکان دارد دوباره نجس شود؟!

۲. اگر بر فرض مثال، نظر فخر رازی مبنی بر دخول همه‌ی زنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نیز مردان دیگر، در زمره‌ی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را بپذیریم، آن وقت این سؤال مطرح می‌شود که این زنان و مردان، چه کسانی هستند؟!

۳. اگر بر فرض، اهل بیت غیر از پنج تن عَلَيْهِمُ السَّلَام باشند، پس تکلیف این همه روایاتی که از منابع خود عامه ذکر کردیم و همگی تأکید بر حصر و انحصار اهل بیت در خمسه‌ی طیبه عَلَيْهِمُ السَّلَام داشتند، چه می‌شود؟!

۴. چطور می شود از فرمایش رسول الله ﷺ به ام سلمه، مبنی بر ردّ خود او و سایر همسران از وارد شدن به محدوده‌ی اهل بیت علیهم السلام چشم پوشید؟!
۵. اگر دخول در دایره‌ی اهل بیت، مایه‌ی افتخار بوده و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، شامل چنین مقامی بودند، پس چرا عایشه که به فرمان عمر مورد سؤال قرار می‌گیرد، از پاسخ به سؤال و معرفی اهل بیت علیهم السلام، طفره رفته و سائل را به سمت ام سلمه راهنمایی می‌کند؟ مگر به ادعای عامه از جمله فخر رازی، عایشه از اهل بیت نبود؟! پس چرا نخواست به این مقام و منزلت مباحث کند؟!
۶. آیا زنی که حدیث جعل می‌کند و می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ملاء عام وی را بر دوش خود سوار کردند تا او بتواند منظره‌ی رقص زنان سودانی را تماشا کند^(۱)، می‌تواند معصوم باشد؟!
۷. از همه مهم‌تر، این ادعا با شأن و محتوای آیه‌ی شریف مباهله که گزارشی از آن، در ادامه خواهد آمد مخالف می‌باشد.
- و بسیاری سؤالات دیگر که در برابر این ادعای نادرست فخر رازی و ... مطرح می‌شود و قطعاً خود عامه نیز، از جواب دادن به این پرسش‌ها، عاجزند.
- عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش نقل می‌کند:
- «أمر معاوية بن أبي سفيان، سعداً، فقال: ما منعك أن تسبّ أبا تراب؟ فقال: أما ما ذكرتُ ثلاثاً قالهنَّ له رسول الله ﷺ، فلن أسبّه، لأن تكون لي واحدة منهنَّ أحبَّ إليَّ من حمر النعم، سمعت

۱. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۳، صفحه ۲۲۸؛ صحیح مسلم، جلد ۳، صفحه ۲۲؛ السنن الکبری، جلد ۱۰، صفحه ۲۱۸.

رسول الله ﷺ يقول له - وقد خلفه في بعض مغازيه -، فقال له ١٣٢ عليّ: يا رسول الله ﷺ! خلفتني مع النساء والصبيان؟ فقال له رسول الله ﷺ: أما ترضى أن تكون لي بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لانبوة بعدي؟! وسمعتة يقول يوم خيبر: لأعطين الراية رجلاً يحب الله ورسوله، قال: فتناولنا لها، فقال ﷺ: ادعوا لي عليّاً ع، فأتني به أرمدا العين، فبصق في عينه ودفع الراية إليه، ففتح الله على يديه، ولما نزلت هذه الآية: ﴿نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾^(١) دعا رسول الله ﷺ عليّاً وفاطمة وحسناً وحسيناً ع فقال: اللهم هؤلاء أهل بيتي^(٢).

معاوية بن ابو سفيان به سعد دستور داد تا به علی ع ناسزا بگوید، سعد از دستور او سرپیچی کرد. معاویه از وی پرسید: چه چیز مانع شد که به ابوتراب [یکی از القاب حضرت امیرالمؤمنین علی ع] دشنام دهی؟ سعد گفت: به این دلیل که سه خصلت از رسول خدا ﷺ در شأن علی ع شنیدم که با توجه به آنها، هیچ گاه به سب و دشنام آن حضرت ع اقدام نمی‌کنم و داشتن یکی از آن سه ویژگی، برای من محبوب تر از دارا بودن شتران سرخ مو است؛ ١. زمانی که در یکی از غزوات، رسول خدا ﷺ علی ع را

١. سورة آل عمران، آیه ٦١.

٢. بحار الأنوار، جلد ٣٧، صفحه ٢٦٤؛ از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ٧، صفحه ١٣؛ سنن ترمذی، جلد ٥، صفحه ٣٠١؛ مستدرک حاکم، جلد ٣، صفحه ١٠٨.

را به جانشینی خود در مدینه گماردند، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! مرا همراه با زنان و کودکان، در مدینه باقی می‌داری؟! شنیدم که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ فرمودند: آیا خرسند نیستی که منزلت تو نسبت به من، همانند نسبت و منزلت هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ، به موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ باشد؛ با این تفاوت که پس از من پیغمبری مبعوث نمی‌شود؟! ^(۱) ۲. در روز جنگ خیبر، از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمودند: پرچم اسلام را به کسی می‌دهم که خدا و رسول را دوست می‌دارد! از شنیدن این سخن، همه ما در انتظار چنان عطیه‌ای بودیم و دستها از آستین بیرون آورده تا پرچم اسلام را در اختیار بگیریم. در همان زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، به حضورم بیاورید! علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، در حالی به حضور ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده شد که به درد چشم مبتلا بود، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آب دهان مبارک خود را به چشم حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ مالیدند، [دیدگان آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ شفا یافت] و پرچم اسلام را به دست ایشان عَلَيْهِ السَّلَامُ سپردند؛ پس خداوند به دست علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فتح و پیروزی را نصیب اسلام نمود ^(۲).

۱. حدیث منزلت، از احادیث بسیار مهمی است که مورد قبول هر دو طایفه شیعه و اهل سنت می‌باشد و بزرگان و علمای اهل سنت بالاتفاق آن را نقل کرده‌اند.

۲. در جنگ خیبر، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روز اول پرچم را به ابوبکر دادند، اما او از مقابل دشمن گریخت، علم را به عمر سپردند و او نیز مانند ابوبکر فرار کرد. ولی با سپردن علم به

۳. هنگامی که آیه مباهله « به آنها بگو: ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آنگاه مباهله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم» نازل شد، رسول خدا ﷺ، علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را به حضور طلبیدند و فرمودند: بار پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند.

نکته‌ای که در مورد ماجرای مباهله، توجه خاص می‌طلبد، آن است که بزرگ مسیحیان نجران، تصور می‌کرد پیامبر اسلام ﷺ برای انجام مباهله، اهل مدینه را به همراه می‌آوردند؛ ولی هنگامی که دید آن حضرت صلی الله علیه و آله همراه با یک خانم و دو کودک و یک آقا، برای مباهله، تشریف آوردند، گفت: این افرادی که من مشاهده می‌کنم، اگر دعا کنند که خدا تمام کوه‌ها را از جای برکند، چنین خواهد شد؛ و از انجام مباهله خودداری کرد^(۱).

بنابراین افراد حاضر در ماجرای مباهله که در آیه‌ی مباهله به ایشان اشاره شده است، منحصر در خمسه طیبیه علیهم السلام می‌باشند و ایشان علیهم السلام اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله محسوب می‌گردند.

در مناظره‌ای که مأمون با حضرت امام رضا علیه السلام داشت، مأمون خدمت آن

→ دست حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، پیروزی مسلمانان در جنگ، رقم خورد. (صحیح بخاری، جلد ۴، صفحه ۲۰؛ مسند أحمد، جلد ۵، صفحه ۳۳۳).

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۱، صفحه ۲۷۶؛ ارشاد، جلد ۱، صفحه ۱۶۷؛ از منابع اهل سنت: تفسیر فخر رازی، جلد ۸، صفحه ۸۸.

حضرت علیه السلام عرض کرد: منظور از «ابناءنا» حسن و حسین علیهما السلام و منظور از «نساءنا» فاطمه علیها السلام است. حضور علی علیه السلام در ماجرای مباحله، از کدام قسمت این آیه فهمیده می شود؟

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: عبارت «أنفسنا» اشاره به وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضور ایشان علیه السلام در ماجرای مباحله است^(۱). آنچه از این روایت و روایات مشابه دیگر به دست می آید آن است که گویا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. همان گونه که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«عَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ»^(۲).

علی علیه السلام از من است و من از علی علیه السلام هستم.

آیه مودت

آیهی دیگری که انحصار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در حضرت امیرالمؤمنین علی و حضرت فاطمه زهرا و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام نشان می دهد، آیه مودت است.

خداوند متعال می فرماید:

﴿قُلْ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾^(۳).

۱. الفصول المختارة، صفحه ۳۸؛ بحار الأنوار، جلد ۱۰، صفحه ۳۵۰.

۲. بحار الأنوار، جلد ۲۶، صفحه ۳؛ از منابع اهل سنت: سنن ترمذی، جلد ۵، صفحه ۳۰۰؛

شواهد التنزیل، جلد ۱، صفحه ۳۱۹.

۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

۱۳۲ بگو: من هیچ پاداشی بر رسالتم از شما درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکان ام (اهل بیت ام).

فخر رازی، مفسر کبیر اهل سنت به نقل از ادیب نامی، زمخشری، از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که ایشان صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

« من مات علی حبّ آل محمّد علیهم السلام مات شهیداً، ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد علیهم السلام مات مغفوراً له، ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد علیهم السلام مات مؤمناً مستکمل الإیمان، ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد علیهم السلام بشّره ملک الموت بالجنّة ثم منکر و نکیر، ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد علیهم السلام یزفّ إلى الجنّة كما تزفّ العروس إلى بیت زوجها، ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد علیهم السلام فتح له في قبره بابان إلى الجنّة، ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد علیهم السلام جعل الله قبره مزار ملائکة الرّحمة، ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد علیهم السلام مات علی السنّة والجماعة، وألا ومن مات علی بغض آل محمّد علیهم السلام جاء يوم القيامة مكتوباً بین عینیه آیس من رحمة الله، ألا ومن مات علی بغض آل محمّد علیهم السلام مات کافراً، ألا ومن مات علی بغض آل محمّد علیهم السلام لم یشم رائحة الجنّة ».

کسی که بردوستی آل محمّد علیهم السلام از دنیا برود، شهید از دنیا رفته، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمّد علیهم السلام از دنیا برود، تمام گناهان او آمرزیده می‌شود، آگاه باشید کسی که بردوستی آل

محمد ﷺ از دنیا برود، جزء توبه کنندگان محسوب می شود، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد ﷺ از دنیا برود، با ایمان کامل از دنیا رفته است، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد ﷺ از دنیا برود، ملک الموت، پس نکیر و منکر او را به بهشت جاویدان بشارت می دهند، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد ﷺ از دنیا برود، او را با تشریفات به سوی بهشت می برند، چنانچه عروس را با تشریفات خاصی به منزل همسرش رهسپار می کنند، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد ﷺ از دنیا برود، برای او در قبرش دو در به سوی بهشت باز می شود، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد ﷺ از دنیا برود خداوند قبر او را محل زیارت ملائکه ی رحمت قرار می دهد، آگاه باشید کسی که بر دوستی آل محمد ﷺ از دنیا برود، طبق روش و سنت پیروان پیامبر ﷺ از دنیا رفته است، آگاه باشید کسی که بر بغض و کینه آل محمد ﷺ از دنیا برود، روز قیامت، در حالی وارد صحنه ی محشر می شود که بر پیشانی اش نوشته اند: نا امید از رحمت خدا، آگاه باشید کسی که بر بغض و کینه ی آل محمد ﷺ از دنیا برود، بدون دین و کافر از دنیا رفته است، آگاه باشید کسی که بر بغض و کینه آل محمد ﷺ از دنیا برود، هرگز بوی بهشت را استشمام نخواهد نمود.

۱۸ فخر رازی، سپس اضافه می کند:

آل محمد ﷺ هم الذين يؤول أمرهم إليه ، فكل من كان أمرهم إليه ۱۳۲
 أشد وأكمل كانوا هم الآل ، ولا شك أن فاطمة وعلياً والحسن
 والحسين عليهم السلام كان التعلق بينهم وبين رسول الله ﷺ أشد التعلقات
 وهذا المعلوم بالنقل المتواتر ، فوجب أن يكونوا هم الآل» (۱) .

آل محمد ﷺ کسانی هستند که بازگشت امر آنها به سوی پیامبر
 خدا ﷺ است ، پس هر کسی که علقه و ارتباط او با رسول
 خدا ﷺ شدیدتر و بیشتر است ، به او آل می‌گویند . و شکی
 نیست که ارتباط و علقه‌ی فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام ، با
 رسول خدا ﷺ بالاترین و کامل‌ترین ارتباطات بود و این
 سخنی است معلوم و آشکار که با تواتر به اثبات رسیده است ؛ پس
 واجب است که آنها را آل بدانیم .

اکنون باید از فخر رازی پرسید : شفا که قائل به وجوب انحصار اهل بیت رسول
 خدا ﷺ در این چهار نفر هستی چگونه به تناقض‌گویی روی آورده و همسران آن
 حضرت ﷺ را نیز جزء اهل بیت ایشان ﷺ می‌دانی ؟!
 ابن قدامه (۲) ، در بحث تشهد نماز که مسلمانان در آن بر محمد و آل
 ایشان ﷺ صلوات می‌فرستند ، می‌گوید :

« آل النبي ﷺ أتباعه على دینه كما قال الله تعالى : ﴿ أَنْخُلُوا آلَ

۱ . تفسیر رازی ، جلد ۲۷ ، صفحه ۱۶۶ .

۲ . ابن قدامه یکی از فقهای اهل سنت است که در کتاب او «المغنی» روایات بی‌نظیری وجود
 دارد که قابل استفاده در فقه می‌باشد و در جاهای دیگر یافت نمی‌شود .

۳ . شافعی صلوات نفرستادن بر پیامبر ﷺ و آل ایشان علیهم السلام را موجب بطلان نماز می‌داند
 و می‌گوید : « من لم یصل علیکم لا صلاة له » . (الغدیر ، جلد ۳ ، صفحه ۱۷۳)

فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿۱﴾ یعنی اَتْبَاعَهُ مِنْ أَهْلِ دِينِهِ ﴿۲﴾.

و آل پیامبر ﷺ همان پیروان آن حضرت ﷺ [تمام مسلمانان] می باشند، چنانچه خداوند متعال می فرماید: «آل فرعون را در سخت ترین عذاب ها داخل کنید» یعنی پیروان و هم کیشان او را داخل جهنم کنید.

حقد و کینه نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ، ابن قدامه را بر آن داشته که مراد از آل پیامبر ﷺ، را تمام مسلمانان بداند و برای اثبات آن، به آیه قرآن استشهاد کند. همین حقد و کینه، باعث شد عبدالله بن زبیر که هم زمان بابنی مروان، ادعای خلافت رسول خدا ﷺ را می کرد، چهل جمعه، نماز جمعه اقامه کند ولی در خطبه نماز جمعه، بر پیامبر اسلام ﷺ و آل ایشان ﷺ صلوات نفرستد، در حالی که صلوات بر ایشان ﷺ شرط صحت نماز جمعه است. وقتی از او پرسیدند که چرا صلوات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت ایشان ﷺ را ترک کردی، گفت: ترسیدم این کار من باعث ایجاد کبر و غرور در آنها شود!!! (۳)

واقعاً تفسیر «آل» به پیروان و هم کیشان از عجایب تفسیری است، چراکه تا استعمال حقیقی و حمل لفظ بر معنای حقیقی آن امکان داشته باشد، استعمال مجازی جایز نیست.

خداوند متعال می فرماید:

۱. سوره غافر، آیه ۴۶.

۲. مغنی ابن قدامه، جلد ۱، صفحه ۵۸۲.

۳. از منابع اهل سنت: مروج الذهب، جلد ۳، صفحه ۸۸؛ تاریخ یعقوبی، جلد ۲، صفحه ۲۶۱؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۴، صفحه ۶۲.

﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَىٰ

الْعَالَمِينَ﴾ * ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِن بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿^(۱).

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را به جهانیان برتری داد * آنان فرزندان (و دودمانی) بودند که (از نظر فضیلت و پاکی و تقوا) بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند و خداوند، شنوا و دانا است.

در این آیه شریف، «آل» صراحتاً در «ذریه» یعنی افرادی که از نسل انسان می‌باشند، به کار رفته است. در بطلان تفسیر «آل» به پیروان و هم‌کیشان، می‌توان گفت که «رجل مؤمن» در آیه بیست و هشتم سوره غافر به پسر عمو^(۲) یا پسردایی^(۳) فرعون تفسیر شده است، آن‌جا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّن آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ﴾ ^(۴).

مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت، گفت. بنابراین باید از ابن‌قدمه پرسید که شما چرا در تفسیر «آل» به این آیه استناد نمی‌کنید؟

فخر رازی در مغالطه‌ای آشکار در مورد «آیه مودت»، می‌گوید:

«قوله ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ ^(۵) فيه منصب عظیم للصحابة، لأنه

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۳ و ۳۴.

۲. تفسیر مجمع البیان، جلد ۸، صفحه ۴۳۵؛ از منابع اهل سنت: تفسیر قرطبی، جلد ۱۵، صفحه ۳۰۶؛ تفسیر سمعانی، جلد ۵، صفحه ۱۶.

۳. تفسیر نور الثقلین، جلد ۴، صفحه ۵۱۸.

۴. سوره غافر، آیه ۲۸.

۵. سوره شوری، آیه ۲۳.

تعالی قال: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾^(۱) فكلّ من أطاع الله كان مقرباً عند الله تعالى، فدخل تحت قوله ﴿إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^(۲) والحاصل أنّ هذه الآية تدلّ على وجوب حبّ آل رسول الله ﷺ وحبّ أصحابه، وهذا المنصب لا يسلم إلاّ على قول أصحابنا أهل السنّة والجماعة الذين جمعوا بين حبّ العترة والصّحابة»^(۳).

در این قول خداوند متعال [که از زبان پیامبر ﷺ می فرماید: «من از شما اجری نمی خواهم مگر، دوست داشتن نزدیکانم» جایگاه عظیمی برای صحابه وجود دارد، چرا که خداوند می فرماید: «پیشگامان پیشگام، آنها مقربان درگاه خدای اند» پس هر کس از خدا اطاعت کند نزد خدای تبارک و تعالی مقرب بوده، داخل در «مگر، دوست داشتن نزدیکانم» خواهد شد. پس این آیه بر وجوب دوست داشتن اهل بیت رسول خدا ﷺ و صحابه ایشان دلالت می کند و این منصب و جایگاه برای صحابه نخواهد بود مگر بنا بر قول اهل سنت، همانان که بین حب عترت رسول الله ﷺ و صحابه ایشان جمع کرده اند.

فخر رازی، طبق این مثال معروف «از ری به روم رفته و از کربلا به کنگور» و با دوختن آسمان به زمین و به هر طریق که شده، تلاش کرده است صحابه را داخل در

۱. سوره واقعه، آیه ۱۰ و ۱۱.

۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. تفسیر رازی، جلد ۲۷، صفحه ۱۶۶.

۱۳۲ اهل بیت و آل رسول خدا ﷺ بنماید و حال آن که قبلاً اعتراف کرد؛ آل رسول خدا ﷺ، از چهار نفر بیشتر نیستند و روایات بسیاری در این رابطه از زمخشری نقل کرده است.

از جمله، فخر رازی در مورد انحصار آل رسول الله ﷺ در حضرت امیرالمؤمنین علی و حضرت فاطمه و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهم السلام این روایت را از زمخشری نقل کرده است:

« روی صاحب الکشاف: أنه لما نزلت هذه الآية، قيل: يا رسول

الله ﷺ! من قرابتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم؟

فقال ﷺ: علي و فاطمة و أبناهما علیهم السلام» (۱).

زمخشری روایت کرده: وقتی این آیه (آیه مودت) نازل شد، شخصی پرسید: ای رسول خدا ﷺ! نزدیکانی که مودت و دوستی ایشان بر ما واجب است، چه کسانی هستند؟ ایشان صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آنان، علی و فاطمه و دو فرزند آنها، حسن و حسین علیهم السلام می باشند.

بنابراین، باید از فخر رازی سؤال کرد که اگر مراد از «قربی» راهمسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا صحابه ایشان صلی الله علیه و آله و سلم یا تمام مسلمانان می دانید، با آیاتی که «قربی» را منحصر در چهار نفر می داند و خود شما ناقل آن ها هستید؛ یعنی آیه خمس، آیه فئ، آیه ایتاء ذی القربی که در سوره های حشر، انفال و اسراء آمده است، چه خواهی کرد؟!

نکته قابل ذکر دیگر، شأن نزول آیه شریف «مودت» می باشد. در شأن نزول این آیه‌ی شریف وارد شده است:

«اجتمع المهاجرون والأنصار إلى رسول الله ﷺ، فقالوا: إن لك يا رسول الله ﷺ مؤونة في نفقتك وفيمن يأتيك من الوفود، وهذه أموالنا مع دماننا، فاحكم فيها باراً ماجوراً، ائت ما شئت وأمسك ما شئت من غير حرج، قال: فأنزل الله عز وجل عليه الروح الأمين، فقال: يا محمد ﷺ! ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^(۱) يعني أن تودوا قرابتي من بعدي، فخرجوا»^(۲).

مهاجرین و انصار نزد رسول الله ﷺ شرفیاب شدند و عرض کردند: خرج زندگی شما و اهل و عیال و مهمان‌های شما زیاد است، اموال و خون‌های ما در اختیار شما است، هر طور که می‌خواهید حکم کنید، هر مقدار که می‌خواهید بردارید و هر مقدار که می‌خواهید واگذارید. راوی می‌گوید: پس خداوند عزوجل، روح الامین را بر پیامبر ﷺ نازل کرد و او به رسول الله ﷺ گفت: بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم» یعنی با نزدیکان من بعد از من، مودت داشته باشید. سپس از حضور پیامبر ﷺ خارج شدند.

۲۴ ۱. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام، جلد ۲، صفحه ۲۱۳؛ بحار الأنوار، جلد ۲۵، صفحه ۲۲۸.

عجیب تر از تناقض گویی های فخررازی، نوشته های قرطبی، یکی دیگر از ۱۳۲ مفسرین اهل سنت می باشد. وی وقتی دیده که لفظ «آل»، «قربی» و «آیهی تطهیر» شامل همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی شود، در اقدامی شگفت انگیز، ابراز داشته که «آیه مودت» نسخ^(۱) شده است. او با استناد به آیه ای دیگر، ابراز می کند که، اگر چه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ابتدا مزد رسالت خود را دوستی اهل بیت شان علیهم السلام معرفی کردند ولی بعد، از آن دست برداشتند^(۲). آیه ای که قرطبی به آن برای اثبات نسخ آیهی «مودت» استناد نموده، این آیهی شریف است:

خداوند متعال می فرماید:

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾^(۳).

بگو هر اجر و پاداش که از شما خواسته ام برای خود شماست؛ اجر من تنها بر خداوند است.

او در حالی به این سخن اشتباه روی آورده است که آیهی اخیر، تحکیم آیه مودت است؛ یعنی حتی دوستی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که ایشان صلی الله علیه و آله و سلم آن را به عنوان مزد رسالت خود درخواست کردند، نفع اش به خود مسلمانان می رسد؛ چرا که دوستی و تبعیت از اهل بیت علیهم السلام موجب هدایت و سعادت می گردد. اجر و پاداش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قبال زحمات فراوان بر عهدهی خداوند متعال است.

خداوند متعال می فرماید:

۱. نسخ در اصطلاح آمدن حکمی جدید به جای حکم شرعی سابق می باشد و در این تغییر مصلحتی نهفته است. (تفسیر المیزان، جلد ۱، صفحه ۶۷)

۲. تفسیر قرطبی، جلد ۱۶، صفحه ۲۲.

۳. سوره سبأ، آیه ۴۷.

الف - ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾^(۱).

بگو: من برای دعوت نبوت هیچ پاداشی از شما نمی طلبم، و من از متکلفین نیستم. (سخنان ام روشن و همراه با دلیل است)

ب - ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾^(۲).

بگو: من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است).

پس درخواست دوستی و مودت اهل بیت رسول خدا ﷺ نیز از کسانی است که می خواهند راه خدا را طی کنند. از مجموع آیاتی که ذکر شد، این نتیجه حاصل می شود که جناب فخر رازی و دیگر مفسرین اهل سنت گریزی ندارند جز این که به اختصاص آیه ی تطهیر در خمسه ی طیبه طیبه اعتراف کنند. در جلسه بعد به ذکر سؤالاتی که فخر رازی باید به آن ها پاسخ بگوید و جواب از آن ها خواهیم پرداخت.

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

۲۶ ۱. سوره ص، آیه ۸۶.

۲. سوره فرقان، آیه ۵۷.

خودآزمایی

- ① سه خصوصیت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که با استناد به آنها سعد بن ابی وقاص از سبّ ایشان علیه السلام خودداری کرد، چیست؟
- ② کدام واژه در آیهی مباحله به وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره دارد؟
- ③ کلمات ابناء و نساء نا در آیهی مباحله اشاره به چه کسانی می‌باشد؟
- ④ علت امتناع بزرگ مسیحیان نجران از انجام مباحله چه بود؟
- ⑤ منظور از «آل» به نظر فخررازی چیست؟
- ⑥ ابن قدامه در تفسیر آل چه می‌گوید و دلیل بطلان قول او چیست؟
- ⑦ نظرات متناقض فخررازی در تفسیر «آل» و «قربی» کدام‌اند؟
- ⑧ شأن نزول آیهی مودّت چیست؟
- ⑨ قرطبی در مورد آیهی مودّت چه نظری دارد؟

آیه ی شریف تطهیر در خانه ام المؤمنین ام سلمه ، بر پیامبر ﷺ نازل شد ؛ اما ایشان ﷺ ماجرایی نزول این آیه را شبیه سازی نمودند و چندین بار ، از جمله در حضور عایشه این عمل را تکرار کردند . ایشان ﷺ هر روز موقع نماز ، به مدت ۴ یا ۶ ماه ، بردر خانه ی حضرت امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه علیها السلام ، حاضر می شدند و چنین می فرمودند : « السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛ ﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾ » . (سلام و رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد ؛ « خداوند فقط می خواهد پلیدی (گناه) را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد ») . (صفحه ۷ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام ، جنب قائمیه ، فروشگاه آوای مهر .
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد .
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات ، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید .

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله بصری رحمته الله

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir